

تأثیر فوتبال بر مؤلفه‌های هویت ملی

مسعود اخوان کاظمی^۱، صفی‌الله شاه‌قلعه^۲

چکیده

این مقاله ضمن بررسی مفهوم هویت ملی و اشکال و جنبه‌های مختلف آن، به بررسی تأثیر فوتبال بر هویت ملی پرداخته است. ادعای مقاله حاضر این است که فوتبال در دنیای امروز به‌عنوان یکی از عناصر سازنده هویت از جایگاه مهمی برخوردار است؛ بدین معنی که به‌جز کارویژه‌های اساسی و خاص خود، موجب و مقوم نوعی هویت در بعد ملی نیز می‌باشد. موفقیت در مسابقه‌های فراملی فوتبال، نوعی هویت و غرور ملی ایجاد کرده و جوامع دیگر را به پذیرش جایگاه برتر و قابل احترام کشور متبوع تیم برنده وادار می‌کند و به همین ترتیب، شکست یک تیم ملی فوتبال نیز باعث نوعی سرخوردگی و جریحه‌دار شدن غرور یک ملت و کشور می‌شود. مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با محور قرار دادن سؤال‌هایی در مورد چرایی و چگونگی تأثیر فوتبال بر هویت ملی، تلاش می‌کند تا روابط علی بین این دو متغیر را بررسی و تحلیل کند.

واژگان کلیدی

هویت، هویت ملی، فوتبال، ورزش، جام جهانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۷/۲۸

mak392@yahoo.com

info.shahghaleh@gmail.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی دیر

❖
سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲
❖
مقدمه

پیوند میان ورزش مدرن و ملی‌گرایی از آغاز تکوین این دو پدیده برقرار و قابل بررسی است. این دو پدیده چه در آغاز تکوین و چه در ادامه تکاملشان بسیار با همدیگر درآمیخته‌اند. از یک‌سو، ورزش همواره بستر کم‌نظیری برای ساخت، گسترش، بیان، مشروعیت‌یابی و نفوذ ملیت و فرهنگ ملی بوده است و از سوی دیگر، این دولت‌ها و جنبش‌های هویت‌طلبی بودند که به تقویت، گسترش و نفوذ ورزش مدرن کمک کردند. در دنیای معاصر کنونی این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که ورزش فوتبال از اهمیت درخور ملاحظه‌ای در مورد فراهم کردن فضای تفریح، ارتقای سلامت، ایجاد شغل و درآمد و به‌ویژه خلق و تقویت هویت برخوردار است. در بین بهره‌برداران‌های سیاسی گوناگون که از ورزش شده، ترویج و تبلیغ شعارهای ملی یا حتی تهییج احساسات ناسیونالیستی و تقویت هویت ملی در زمره‌ی سالم‌ترین انواع استفاده از ورزش برای نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی هستند.

فوتبال به‌عنوان محبوب‌ترین و پرهیجان‌ترین ورزش حرفه‌ای، هزاران نفر از جوانان ایرانی را مستقیماً به‌عنوان ورزشکار، مربی، داور و دست‌اندرکار امور اجرایی به خود مشغول داشته و فراتر از آن، میلیون‌ها تن از جوانان مشتاق را به‌عنوان طرفداران پرشور یا تماشاچیان علاقه‌مند درگیر کرده است. برگزاری مسابقات در سطوح گوناگون باشگاهی، ملی و بین‌المللی، ابزار و مسیری برای توسعه ورزش حرفه‌ای و راهی برای پوشش اوقات فراغت علاقه‌مندان پرشمار است و بازتاب گسترده آن در رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون، فوتبال را کاراترین و پردامنه‌ترین پدیده فراغتی معرفی کرده است (هاشمی و جوادی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۱۰۸). از جمله کارویژه‌های فوتبال، ورود و مشارکت دادن این ورزش در معادله‌های هویتی است

که امروز نه به‌مثابه حاشیه، بلکه عملاً کلیت این ورزش را متأثر ساخته است. این مقاله به بررسی رابطه فوتبال و هویت ملی پرداخته و پس از تعریف هویت ملی و ابعاد آن، فوتبال را به‌عنوان یکی از عناصر سازنده هویت ملی در عصر حاضر مورد توجه قرار داده و تأثیر مثبت فوتبال بر تعلق‌های ملی در ایران و سایر کشورهای جهان را بررسی کرده است. فوتبال با واقع شدن در کانون توجه رسانه‌ای و به‌عنوان پرطرفدارترین رشته ورزشی در دنیا با فضای رقابتی شدیدی که ایجاد می‌کند، به شکل‌گیری و مرزبندی گروه‌های رقیب دامن می‌زند و با استمرار آن در طول زمان به ایجاد هویت و تقویت هویت ملی کمک می‌کند. فوتبال به‌عنوان نماد ورزشی یک کشور حتی می‌تواند معرف فرهنگ و رفتار اجتماعی مردم یک جامعه به دیگران یا از لحاظ سیاسی، سبب قدرت یک ملت در عرصه جهانی تلقی شود. رابطه‌ای که به‌طور گریزناپذیری بین ورزش و سیاست ایجاد شده، باعث گردیده تا گاستون فایر، نویسنده معروف فرانسوی این ادعا را که «ورزش از سیاست جداست»، یک دروغ بزرگ بداند.

مبانی

سؤال‌ها و فرضیه

این نوشتار تلاش می‌کند تا روابط علی بین دو متغیر فوتبال و هویت ملی را بررسی کند و به‌ویژه چرایی و چگونگی ارتباط بین این دو مقوله را تشریح و تحلیل نماید؛ بدین ترتیب سؤال اصلی عبارت خواهد بود از اینکه فوتبال چه تأثیری بر هویت ملی دارد؟ سؤال‌های مرتبط دیگر عبارت‌اند از:

۱. آیا فوتبال باعث رشد هویت ملی می‌شود؟
 ۲. فوتبال چگونه می‌تواند بر هویت ملی تأثیرگذار باشد؟
- پاسخ اولیه (فرضیه)‌ای که در جواب سؤال ارائه می‌شود، این است که: «نقش فوتبال در

بعد ملی و بین‌المللی، همچنین تأثیر آن بر تقویت تعلق ملی و شکل‌گیری اشتراک ذهنی و روانی در بین اقشار جامعه می‌تواند باعث تقویت سطوح مختلف هویت ملی شود.

هویت ملی (چارچوب نظری)

در زبان‌های اروپایی، واژه ملت (Nation) از ریشه لاتین (Natio) مشتق شده است و بر مردمانی دلالت دارد که از ولادت با یکدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله‌اند. اما در خلال شکل‌گیری دولت‌های ملی در عصر جدید، گاهی سیر حوادث تاریخی، مردمانی را که از اقوام گوناگون بوده‌اند، گرد هم و از آنها یک ملت به وجود آورده است (اشرف، ۱۳۷۳: ۵۲۴).

تحول دوران مدرن باعث شد که واحدهای سیاسی به درجه‌ای از شناسایی و مشروعیت شهروندان نیاز داشته باشند (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۲). به علت اهمیت و تأثیر هویت ملی در انسجام اجتماع و پیوند مردم، نسل‌ها و اقوام مختلف، یکپارچگی ملی و نقش مستقیم آن در توسعه سیاسی و اقتصادی جوامع است که کشورها تثبیت می‌شوند، ارائه هویت واحد را در دستور کار خود قرار می‌دهند و با عرضه یک تعریف واحد از آن، فرایند «ملت‌سازی» را تحکیم می‌بخشند. آنها در این فرایند، تعریفی از ملت خود بنا می‌سازند و با مقبول و مشروع ساختن آن تعریف، هویت منسجم و متحدی ایجاد می‌کنند (Ottaway, 2002: 65).

مؤلفه‌هایی مانند تاریخ، زبان، اعتقادات و ارزش‌ها، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد که عناصر متشکله فرهنگ یک جامعه هستند، بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند که هویت و روح کلی کشورها را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که این هویت، کسانی را با ویژگی‌های خاص تربیت می‌کند (جلالی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴-۱).

هویت ملی، که بر پایه رویارویی «ما» با «دیگران» بنیاد می‌گیرد، می‌تواند نیرویی

سازنده باشد یا به نیروی ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی اگر در حد معقول و معتدل قرار گیرد، می‌تواند نیرویی برای هم‌یاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصب‌های ملی، قومی و نژادی وارد شود یا به بهانه چالش با تعصب‌های قومی به نفی، انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند، نیرویی ویرانگر و زاینده دشمنی و ستیزه‌جویی خواهد شد (اشرف، ۱۳۷۳: ۵۵۲-۵۲۳).

از دیگر ویژگی‌های اساسی هویت ملی این است که همانند دیگر سطوح هویت، ایستایی ندارد و دائم در حال تغییر و پویایی است (Woodward, 2004: 7-41). همین امر باعث می‌شود با تغییر شرایط زمانی و مکانی و وقوع برخی حوادث مهم تاریخی، سیاسی و اجتماعی تصور مردم در مورد آن تغییر یابد؛ در نتیجه تضعیف یا تقویت شود. ابعاد هویت ملی عبارت‌اند از:

بُعد اجتماعی

هر شخصی از طریق محیط اجتماعی‌ای که به آن متعلق است یا بدان رجوع می‌کند، هویت خود را می‌سازد و توسعه می‌دهد. بُعد اجتماعی هویت ملی در مورد رابطه کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می‌گیرد. هویت ملی تا حد وسیعی به کم و کیف روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی، یعنی کشور، بستگی دارد. به عبارت دیگر، نشانه قوت بُعد اجتماعی هویت ملی به افزایش تعداد کسانی که در یک کشور دارای احساس تعهد مشترک هستند، بستگی دارد (چلبی، ۱۳۷۴: ۱۱۸).

بُعد تاریخی

بُعد تاریخی هویت ملی، آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن و احساس هویت تاریخی است. «هم‌تاریخ‌پنداری» پیونددهنده

نسل‌های مختلف به یکدیگر و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود؛ از این رو هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود. هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش به پیشینه تاریخی، احساس تعلق خاطر تاریخی و اهتمام تاریخی دانست (معمار، ۱۳۷۸: ۱۷).

بُعد جغرافیایی

هویت ملی هر ملت در درجه نخست زائیده محیط جغرافیایی آن ملت است. محیط جغرافیایی، تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو سرزمینی مشخص ضرورت تام دارد.

بُعد سیاسی

تعلق به یک واحد سیاسی به عنوان یک عنصر ملی مستلزم تعلق به دولت، نظام سیاسی و ارزش‌های مشروعیت‌بخش حکومت در هویت ملی است (شیخاوندی، ۱۳۷۸: ۲۸). عضویت افراد در یک نظام سیاسی و پذیرش ارزش‌ها و قوانین آن، شاخص مقبولیت نظام سیاسی و مشروعیت آن است. این امر به جز پیوند ملی میان اعضای نظام سیاسی، عامل همبستگی ملی نیز می‌شود.

بُعد دینی

دین مهم‌ترین منبع برای هویت و معنا بخشی است؛ چراکه به پرسش‌های بنیادین انسان‌ها پاسخ می‌دهد، به زندگی جهت می‌دهد، روابط اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و وحدت اعتقادی ایجاد می‌کند. ساموئل هانتینگتون معتقد است دین برای کسانی که با پرسش‌هایی از این دست روبرو هستند که «من کیستم؟» و «به کجا تعلق دارم؟» پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دارد (۱۳۷۸: ۱۵۳).

بُعد فرهنگی

پیوند میان فرهنگ و هویت چنان عمیق است که اغلب، هویت را پدیده‌ای فرهنگی

می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل‌اند. در جهان معاصر، هویت فرهنگی در مقایسه با دیگر ابعاد هویت، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. بنابراین هویت ملی زمانی به‌عنوان یک مفهوم برجسته خودنمایی می‌کند که احساسات نهفته در جوامع ملی بر اساس یک اراده معطوف به قصد و آگاهی، پایه‌ای برای یک طرح سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی قرار گیرد. اسباب این آگاهی و ظهور شعور ملی، توسط تمدن جدید فراهم شد؛ بدین ترتیب، آگاهی به عنصر ذهنی هویت یعنی «احساس ملی» که از آن به «روح جمعی» یا «وجدان جمعی» نیز یاد می‌کنند، به خلق هویت‌ها یاری رساند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هویت ملی، معناسازی بر مبنای مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی است که طی آن افراد در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی در قبال آن احساس همبستگی، تعهد و وفاداری می‌یابند.

تأثیر فوتبال بر ایجاد هویت و تحکیم هویت ملی

مطالعه‌های اجتماعی نشان داده‌اند که در هر دوره‌ای از جوامع انسانی، پدیده‌هایی شکل گرفته‌اند که با گرفتن قالب‌هایی نمادین و حرکت در معنایی فراتر از مفهوم ظاهری خود، بسیاری اذهان و فعالیت‌های بشری را متأثر ساخته و در سوگیری، سرعت و چگونگی حرکت جوامع نقش درخور توجهی ایفا کرده‌اند. فوتبال را بدون شک می‌توان یکی از درخور توجه‌ترین پدیده‌های جامعه بشری در زمان حال به حساب آورد. در زمان اندکی، بیش از یک قرن که از ظهور فوتبال در جامعه بشری گذشته است، فوتبال از شکل ورزش و عاملی برای تفریح و سرگرمی، به پدیده‌ای اجتماعی و مسابقه جهانی فوتبال، از یک رویداد ورزشی به یک واقعه اجتماعی و سیاسی بین‌المللی

تبدیل شده است (ورکیانی، ۱۳۸۵: ۴۵). فوتبال یکی از جذاب‌ترین و پردرآمدترین ورزش‌های حرفه‌ای به‌شمار می‌رود (Morrow, 1999: 55).

در جوامع انسانی امروز، فوتبال دیگر تنها یک ورزش نیست، بلکه پدیده‌ای است که هر ساله میلیون‌ها ساعت از وقت انسان‌ها را به خود اختصاص داده و به‌صورت یک رویداد محوری در عرصه‌های ملی و جهانی درآمده است.

برخی جامعه‌شناسان، فوتبال را پدیده‌ای مهم دانسته و حتی مدعی شده‌اند که در جوامع عرفی، فوتبال نقشی جایگزین مذهب یافته است. ریل،^۱ مسابقه‌های سوپر بال را منظره‌ای اسطوره‌ای خوانده و عقیده دارد در جوامع غیردینی، ورزش جای خالی مذهب را پر می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۷: ۸). امروز فوتبال از ورزش‌هایی است که از جایگاه خاصی در میان بیشتر مردم جهان برخوردار است و افراد زیادی را به‌سوی خود جذب کرده است. این ورزش نه تنها جنبه تفریحی و ورزشی دارد، بلکه در اقتصاد، سیاست و فرهنگ یک کشور نیز تأثیرگذار است و می‌توان گفت به‌صورت صنعت درآمده است؛ بنابراین از آن به‌عنوان صنعت فوتبال نیز یاد می‌شود (لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

جایگاه فوتبال در زندگی افراد جامعه گاهی اوقات نسبت به خانواده و کار از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. طبق پژوهشی در مورد فوتبال در انگلستان، نتایج جالبی به‌دست آمده است. بر این اساس ۷۶ درصد از جمعیت نمونه ترجیح می‌دهند به‌جای کار به فوتبال بپردازند؛ درحالی‌که تنها ۲۷ درصد کار را ترجیح می‌دهند. ۸۶ درصد بین دیدن فوتبال یا حاضر شدن در بیمارستان برای تولد نوزاد اول خود مردد هستند. ۷ درصد به‌جای تماشای فوتبال، بیشتر فوتبال بازی می‌کنند.

1. Real

۳۴ درصد هم اعلام کرده‌اند که با شروع جام جهانی اشتیاق آنان برای فوتبال بالا رفته است. ۶۷ درصد هم ترجیح می‌دهند به جای خانواده با دوستان خود به تماشای فوتبال بپردازند (ورکیانی، ۱۳۸۵: ۴۷). این پژوهش و تحقیق‌های مرتبط نشان می‌دهند که فوتبال با هویت انگلیسی‌ها عجین شده است.

در نمونه موردی دیگر، بهره‌گیری حکومت ژنرال‌های آرژانتین از جام جهانی ۱۹۸۷ است. آنها با برگزاری باشکوه این جام و تلاش برای قهرمانی در آن، از سوی دیگر در نظر داشتند تا چهره مثبتی از این رژیم عرضه کرده و در عین حال با ایجاد نوعی هم‌گرایی داخلی و تهییج احساسات ملی، برای حکومت خود مشروعیت داخلی و بین‌المللی ایجاد کنند (کوپر، ۱۳۸۹: ۳۱۰).

هویت‌آفرینی فوتبال در سطح بین‌المللی

در ورزش، عشق به تیم، تبدیل به میهن‌دوستی و دفاع از خاک وطن می‌شود. ویلکرسون و دودر معتقدند که ورزش، اجراکننده یکی از هفت وظیفه اثبات هویت و موجد روح جمعی است و مردم را به شیوه‌ای متحد برای دستیابی به اهداف مشترک متشکل می‌کند (خلجی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۲). ورزش‌هایی مانند فوتبال نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تقویت وفاق ملی نیز ایفا می‌کنند. وفاق ملی در حقیقت وضعیتی است که در آن افراد به احساس واحد، همدلی و یگانگی مسیر و هدف دست پیدا می‌کنند. ورزش به‌واسطه کشش و رغبتی که ایجاد می‌کند، در تقویت و تحکیم وفاق ملی در جامعه مؤثر است. تمامی آحاد جامعه با هر نوع گرایش سیاسی، مذهبی و وابستگی‌های دیگر، هنگام برگزاری مسابقه‌های ملی، یک نقطه مشترک به‌نام تیم ملی می‌یابند و این امر عامل وفاق بخش‌های گسترده‌ای از مردم جامعه می‌شود.

ورزش در سطح بین‌المللی به‌گونه‌ای دیگر نیز در تقویت هویت ملی مؤثر است؛

به طوری که پیروزی تیم‌های ورزشی در میدان‌های جهانی باعث افزایش غرور ملی شده، به طور خودجوش مردم را به سوی جشن و شادمانی در مقطع میهنی و در سطح کشوری سوق می‌دهد؛ به ویژه اگر این پیروزی بر یک دشمن قوی سیاسی و یا یک رقیب پرتوان ورزشی باشد که نمونه‌های آن، هنگام پیروزی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران بر تیم‌های ملی فوتبال آمریکا و استرالیا مشاهده شد (ملکوئیان، ۱۳۸۸: ۳۰۵).

به زعم مارتین بارت، هرگاه تیم ملی فوتبال انگلیس در مقابل آلمان قرار می‌گیرد، واکنش عاطفی مردم سراسر انگلیس را به دنبال دارد و این نشان‌دهنده پیوند عمیقی است که بین فوتبال و هویت ملی وجود دارد (۱۳۸۱: ۲۰-۱۲). اگرچه سال‌های زیادی از دو جنگ جهانی می‌گذرد، همچنان برای بسیاری، نبرد ورزشی آلمان و انگلیس یادآور اختلاف‌ها و تعارض‌های سیاسی و نظامی نیمه قرن بیستم است. وینستون چرچیل، نخست‌وزیر پیشین انگلیس در مورد رابطه جنگ و رقابت‌های ورزشی بین‌المللی گفته است: «صلاح در این است که ملت‌ها در میادین ورزشی درگیر شوند تا در میدان‌های جنگ.»

فوتبال به دلیل تأثیر چشمگیری که در ارتقای ارتباطات اجتماعی و تغییر فرهنگی جوانان و جامعه دارد، بسیار مورد توجه پژوهشگران اجتماعی قرار گرفته است. در مطالعه انسان‌شناسان، فوتبال به عنوان یک ورزش از منظر تعامل و تداخل فرهنگی اهمیت می‌یابد و از سوی دیگر، ورزش به عنوان واسطه‌ای برای مشاهده تغییر فرهنگی جامعه موضوعی مهم به حساب می‌آید (عسکری و حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

در بین رشته‌های مختلف ورزشی، فوتبال و جام جهانی ویژگی ممتاز و منحصر به فردی دارند. فوتبال به علت گستردگی فوق‌العاده، تعداد بی‌شمار

ورزشکاران و تماشاچیان، سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و پوشش وسیع رسانه‌ای عرصه بسیار فراتری از دیگر ورزش‌ها کسب کرده است. جام جهانی فوتبال که هر چهار سال برگزار می‌شود، به بزرگ‌ترین و فراگیرترین پدیده ورزشی جهانی تبدیل شده؛ به طوری که هنگام برگزاری، توجه میلیاردها نفر در سراسر جهان را به خود جلب می‌کند (احمدی، ۱۳۸۶: ۴).

جام جهانی فوتبال، یک واقعه بزرگ ورزشی است که عرصه‌ای برای تجمع میلیون‌ها نفر از فوتبال‌بست‌ها، فوتبال‌دوستان و نمایندگان رسانه‌های جمعی از سراسر عالم فراهم می‌سازد و البته از طریق رسانه و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید رسانه‌ای و ارتباطی، میلیاردها نفر از شهروندان کشورهای مختلف به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از حوادث و وقایع مربوط به بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان آگاه می‌شوند. حضور جمعیتی کثیر با علایق و تمایل‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های گوناگون، همراه با تعلق‌ها و تعصب‌های ملی متفاوت که اتفاقاً در خلال مسابقه، گاهی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند، موقعیتی فراهم می‌آورد تا مرزبندی‌های هویتی، آشکارا دیده شوند.

صحنه‌هایی تأثیرگذار از نمایش سمبل‌ها و نمادهای ملی در خلال مسابقه‌ها، این جلوه‌ها را نمایان‌تر می‌سازد. برخی نمونه‌های آن عبارت‌اند از:

۱. بالا رفتن پرچم کشورهای شرکت‌کننده در جام جهانی در کشور میزبان که در صورت قهرمانی، پرچم آن کشور در رأس همه آنها قرار می‌گیرد؛
 ۲. سر دادن سرودهای ملی در طول برگزاری جام جهانی از سوی تماشاگران و کسانی که از رسانه جمعی مراسم را تماشا می‌کنند.
- هرچند در جام جهانی، ملت‌های جهان با یکدیگر هم‌بازی می‌شوند و از این طریق، آشنایی میان فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و صلح و دوستی تقویت می‌شوند، مرزهای

میان ملت‌ها، در فضای مسالمت‌آمیز و دوستانه به شکل بارزی برجسته می‌شود و تأکید بر تعلق‌های ملی و تمایزهای بین ملت‌ها پذیرفته و تأیید می‌شود. از این منظر، فوتبال کارکردی آموزشی «برای یاد دادن قواعد زندگی اجتماعی و شیوه‌های سازگاری با جامعه و مرزبندی‌های مرسوم» پیدا کرده است (آزادارمکی، ۱۳۸۷: ۱۲).

فوتبال توانسته بیگانه‌ستیزی در جهان را کاهش دهد، موجب آشنایی مردم کشورها با یکدیگر شود و پیام‌آور صلح باشد؛ همچنین با ایجاد غرور ملی در مردم یک کشور موجب انسجام ملی می‌شود و با ایجاد احساس علاقه به میهن، مردم یک کشور را به هم پیوند می‌دهد. جامعه‌شناسان به دلیل اینکه فوتبال می‌تواند آحاد یک ملت با زبان‌ها و مذاهب مختلف را با حمایت از یک نقطه مشترک یعنی تیم ملی به هم پیوند بدهد، آن را مهم تلقی می‌کنند (احمدیان‌راد، ۱۳۸۷: ۵).

پژوهش لور^۱ در مورد برزیل بیانگر آن است که فوتبال و موفقیت‌های ورزشی این کشور باعث تقویت هویت ملی و چیرگی بر تفاوت‌ها و اختلاف‌های موجود شده است (1983: 4-8).

مطالعه آلبارسز^۲ در آرژانتین هم نشان می‌دهد فوتبال و موفقیت‌های تیم ملی فوتبال این کشور در عرصه بین‌المللی باعث شده، هویت ملی در این کشور تقویت و سیاهان، سرخ‌پوستان و نیز مهاجران با همسایگان شهریشان با یکدیگر متحد شوند (1999: 77-85).

موفقیت‌ها در فوتبال در میادین مهم در سایر کشورها نیز نقش مشابهی داشته است. در اسپانیا تعارض ساکنان مناطق کاتالونیا و مادریدی‌ها که ریشه تاریخی و سیاسی دارد، به شکل‌گیری دو قطب رئال مادرید و بارسلونا منجر شده است.

1. Lever
2. Alabarces

تعارض تاریخی در تشکیل کشور اسپانیا و اختلاف تاریخی سابقه‌دار این دو منطقه تا پیش از این در قالب جنگ‌های داخلی متجلی می‌شد. قهرمانی تیم فوتبال اسپانیا (ترکیب بازیکنان تیم ملی بیشتر از دو باشگاه رئال و بارسلونا بود) در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی از جمله مواردی است که باعث تقویت هویت ملی در این کشور شد که نمود آن به‌ویژه به‌صورت بارزی در کاهش گرایش‌های استقلال‌طلبی جدایی‌طلبان باسک دیده می‌شود.

هیر و دانسی^۱ در تبیین ارتباط فوتبال و هویت ملی به نقش محبوبیت اشاره می‌کنند و معتقدند وقتی فوتبال در کشوری محبوبیت ملی کسب کند، موفقیت یا شکست آن در میداين مهم بین‌المللی ممکن است به‌طور معناداری بر هویت ملی تأثیر بگذارد (51-41:1999). پولی^۲ در تبیین این ارتباط معتقد است فوتبال انتخابی ملی‌گرایانه و نماد تفاوت ملی است و بر این اساس است که پیوند نزدیکی بین فوتبال و هویت ملی وجود دارد. در بعضی بازی‌ها و مسابقه‌های ورزشی، گاهی یا غرور ملی ترمیم یا به‌شدت جریحه‌دار می‌شود؛ چنان‌که بازی آرژانتین با انگلیس همیشه از چنین حسی برخوردار است. آرژانتینی‌ها که خواهان بازپس‌گیری جزایر مالدیناس هستند، هنگام شکست مقابل انگلیس، غرور ملی‌شان به‌شدت جریحه‌دار می‌شود (احمدیان‌راد، ۱۳۸۷: ۳).

فوتبال به دلیل اثرگذاری خود، جایگاه ویژه‌ای در عرصه بین‌الملل و معادله‌های داخلی یافته است. محبوبیت و شهرت تیم‌های ملی (برزیل، آرژانتین و اسپانیا) و ستارگان جهانی فوتبال، (زیدان، مسی و رونالدو) قدرت اثرگذاری بالایی به آنها بخشیده است. این نفوذ و قدرت در سطح سیاسی هم نمود پیدا کرده است. ورود

1. Hare and Dauncey
2. Polley

فوتبالیست‌های برجسته به عالی‌ترین سطوح سیاسی، شاهدهی بر این ادعاست؛ هرچند در این باره نباید از نقش «پله»، اسطوره برزیلی گذشت که در کشوری صاحب فوتبال، وزیر ورزش است و حتی در سالیان پیش، تشویق به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری آن کشور شد و از این امر سر باز زد.

در همین مورد نیز می‌توان شرکت «ژرژ وه ا»، فوتبالیست لیبرایی در انتخابات ریاست‌جمهوری کشورش را مثال زد که تا دور دوم انتخابات نیز پیش رفت و آنجا رقابت را به رقیب خود واگذار کرد. در فوتبال ما در پیش و پس از انقلاب نیز نمونه‌هایی از این قبیل یافت می‌شود که از جمله آنها می‌توان به ماجراهای سیاسی برخی ورزشکاران اشاره کرد؛ مانند موضع‌گیری‌های سیاسی پرویز قلیچ‌خانی قبل از انقلاب یا شرکت تعدادی از چهره‌های ورزشی در انتخابات مجلس شورای اسلامی (امیررضا خادم) و شورای شهر تهران (هادی ساعی و علیرضا دبیر) بعد از انقلاب که موفقیت‌های خوبی را نیز کسب کرده‌اند.

تحکیم هویت ملی در ایران

جذابیت‌های ذاتی فوتبال و حمایت‌های دولتی، این ورزش را به ورزش نخست (و نه ملی) کشورمان تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از جامعه‌شناسان برآنند که در سال‌های اخیر مسئله انرژی هسته‌ای، نام خلیج فارس و در نهایت پیروزی فوتبالی ایران بر آمریکا در جام جهانی، سه رخدادی بوده‌اند که اجماع ملی ایرانیان را به‌خوبی نشان داده‌اند (هاشمی و جوادی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۲). فوتبال در جامعه ایران، اگرچه سابقه و اعتبار کشتی را ندارد، گسترده‌ترین و فراگیرترین ورزش کشور است و سال‌هاست که در حال تبدیل شدن به محبوب‌ترین ورزش

کشور می‌باشد؛ در نتیجه موفقیت‌ها یا شکست‌های آن در بعد ملی، به‌ویژه در میادین بسیار مهم بین‌المللی برای مردم تأثیرگذار است.

با پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، فعالیت‌های ورزشی تیم ملی فوتبال در اوج خود بود دچار وقفه گردید و نادیده گرفته شد. در اولین اردوی ملی فوتبال بعد از انقلاب، تیم ملی که تقریباً همان ترکیب جام‌جهانی را داشت، به بوشهر رفت، اما با تظاهرات و اعتراض‌های مردمی روبرو شد. شعار «اردوی تیم ملی، خیانت است به ملت» بر زبان مردم بوشهر نمایانگر جوّ ملت‌هپ آن روزگار بود (صدر، ۱۳۹۰: ۶۱).

به‌رحال برنامه‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، پیامدهای بسیاری برای دنیای ورزش داشت. برخی رشته‌های ورزشی، مورد توجه و استقبال بیشتر قرار گرفتند که از آن جمله می‌توان به ورزش‌هایی چون کاراته و هنرهای رزمی اشاره کرد؛ اما ورزش‌هایی که بیشتر متعلق به نخبگان بودند، از قبیل سوارکاری، شمشیربازی، بولینگ یا ورزش‌هایی که بیشتر جنبهٔ قماربازی در آنها دیده می‌شد، از قبیل شطرنج یا ورزش‌هایی که بیش از حد خشن شمرده می‌شدند، از قبیل بوکس و کونگ‌فو ممنوع یا تعطیل شدند (Chehabi, 2002: 390).

اما طی سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، بالاخره مجالی پیش آمد تا دولتمردان بدانند ورزش و سرگرمی‌ها نیز کارکردهای خود را در جامعه دارند و تعطیلی و بی‌توجهی این سال‌ها عواقبی برای مملکت داشته است. فتوای امام خمینی^(ره) دربارهٔ نبود اشکال شرعی برای پخش تلویزیونی مسابقه‌های ورزشی، مَهر پایانی بر بسیاری از مخالفت‌ها و مقاومت‌ها بود (Ibib: 393).

مطالعهٔ علمی و مستند در این باره به‌ندرت انجام شده است؛ اما قرائن و شواهد بیانگر این نکته هستند که پیروزی‌های تیم ملی فوتبال ایران در رقابت‌های مهم، باعث

غرور و افتخار ملی و شکست‌های آن، باعث سرافکندگی ملی و ایجاد یاس و ناامیدی بین مردم شده‌اند (قاضیان، ۱۳۷۶: ۱۳۵-۱۱۸). اما فصل درخشان فوتبال بعد از انقلاب، صعود به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه است. دو پیروزی تاریخی در برابر استرالیا (در پلی آف بازی‌های مقدماتی) و آمریکا (در مرحله گروهی جام) به دست آمد. موفقیت فوتبال ایران در کسب نتیجه مساوی با تیم استرالیا در ملبورن که به شرکت ایران در جام جهانی (صعود اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) منجر شد، واکنش پرشور عمومی در ایران، نسبت به نتیجه این مسابقه را دربر داشت و هم‌گروه شدن ایران و آمریکا با قرعه‌کشی جام جهانی ۱۹۹۸ از جمله جذابیت‌های این بازی‌ها بود. این دیدار را پس از بازی دو آلمان غربی و شرقی در سال ۱۹۷۴، سیاسی‌ترین دیدار جام جهانی دانسته‌اند. پیروزی دو بر یک تیم ایران بر تیم ایالات متحده، بار دیگر به جشن‌های گسترده ملی در سراسر ایران تبدیل شد و هویت و ملیت خود را در پیوندی پررنگ با این ورزش پیدا کرد.

در شرایطی که فضای سیاسی روابط بین ایران و آمریکا، این بازی را به جایگزینی برای صحنه نبرد خشونت‌آمیز میان دو کشور تبدیل کرده بود، واکنش‌های خودجوش مردم ایران پس از پیروزی تیمشان، نشان داد که فراتر از تعارض نظام‌های سیاسی دو کشور، مسابقه فوتبال قادر است نوعی جبهه هویتی پدید آورد (هاشمی و جوادی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

در مقابل، شکست در فوتبال در میادین مهم بین‌المللی که ناشی از ضعف تیم خودی باشد نیز باعث سرافکندگی، ناامیدی و تضعیف هویت ملی می‌شود (نادریان، ۱۳۸۴: ۳۴۰-۳۳۸)؛ همچنین احمدی در پژوهشی در ایران به این نتیجه رسیده است که باخت و شکست تیم ملی ایران در جام جهانی (۲۰۰۶ آلمان) باعث کاهش هویت ملی در کشور شد (احمدی، ۱۳۸۶: ۹۵-۸۵).

شاید بارزترین مثال در این زمینه، باخت تیم فوتبال ایران در مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ ژاپن و کره در برابر بحرین است (به‌ویژه اینکه در این بازی، بازیکنان تیم بحرین پس از پیروزی با چرخاندن پرچم عربستان سعودی دور زمین باعث جریحه‌دار شدن غرور ملی ایران شدند). باخت خانگی تیم فوتبال ایران در برابر عربستان نیز در بازی‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی، شاید بدترین باخت تاریخ فوتبال ایران باشد که این دو باخت باعث شدند که تیم ایران به جام جهانی نرسد و نوعی ناراحتی عمومی، یأس و ناامیدی ملی بین مردم ایران شکل گیرد.

جذب اقوام در جامعه ملی توسط فوتبال، یکی از کارکردهای هویت‌ساز این ورزش است. واکنش پرحرارت برخی اقوام مختلف ایرانی در حمایت از دو تیم برجسته پایتخت در خلال داری‌ها و دودستگی (حول دو رنگ آبی و قرمز) در حمایت از یکی و مشاجره با طرفداران تیم مقابل در همان شهر یا در خلال بازی در تهران، نشانگر سیطره تعلق‌های فوتبالی در سطح باشگاه‌های برتر کشور در برابر تعلق منطقه‌ای و قومی است. شواهد دیگر در این مقوله را می‌توان در حضور یافتن بازیکنانی از اقلیت‌های مذهبی در تیم ملی نیز جستجو و تحلیل کرد (هاشمی و جوادی‌یگانه، ۱۳۸۶: ۱۱۳). از این رو با توجه به وجود اقوام گوناگون (ترک، کرد، لر، عرب، ترکمن و بلوچ) می‌توان با تقویت تیم‌های ورزشی به‌ویژه فوتبال و درخشش در سطح بین‌المللی باعث نزدیک شدن حس هویت در بعد ملی بین این اقوام و تقویت همبستگی و هویت ملی از طریق ورزش شد.

در سال‌های اخیر که فشارهای سیاسی بر مسئله هسته‌ای ایران و تحریم‌های بین‌المللی بیشتر شده است، هرگونه شکست و پیروزی تیم‌های ورزشی بر همبستگی و هویت ملی ایرانیان اثرگذاری بیشتری پیدا کرده‌اند. موفقیت‌های درخور توجه اخیر

ورزشکاران کشورمان در بازی‌های المپیک لندن ۲۰۱۲ و صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی برزیل ۲۰۱۴، تا اندازه‌ی زیادی باعث افزایش روحیه‌ی ملی و ارتقای همبستگی و هویت ملی در شرایطی شده است که جامعه‌ی ایران تحت تحریم‌های اقتصادی بیشتری از سوی قدرت‌های غربی قرار گرفته است؛ بنابراین با در نظر گرفتن جایگاه و تأثیر تعیین‌کننده‌ی ورزش به‌طور کلی و فوتبال به شکل خاص در تقویت و ارتقای همبستگی و هویت ملی است که باید مسئولان کشور توجه ویژه‌ای به گسترش ورزش به‌ویژه ورزش قهرمانی داشته باشند تا بتوان در برابر تهدید خارجی که ایجاد تشنگی و تفرقه در جامعه‌ی متعددالاقوام ایرانی را هدف گرفته‌اند، وحدت و انسجام داخلی و تحکیم هویت ملی را تضمین و تحکیم نمود.

نتیجه‌گیری

کارکردهای اجتماعی و سیاسی ورزش، به‌ویژه فوتبال در سطح داخلی و بین‌المللی به‌صورتی روزافزون در حال گسترش است. به‌جز پرکردن اوقات فراغت جوانان و نوجوانان، فوتبال، علاقه‌مندان زیادی بین همه‌ی رده‌های سنی، جنسیتی، قومی، مذهبی و ملی دارد. پوشش رسانه‌ای و نفوذ گسترده‌ی تلویزیون در سطح کشوری و اهتمام این رسانه در پوشش رخدادهای مربوط به فوتبال، باعث پیوند این ورزش با اقشار مختلف همه‌ی جوامع شده است؛ به‌طوری‌که به‌عنوان مثال در کشور ما برنامه‌ی ۹۰ که پوشش‌دهنده‌ی اخبار و تحولات ورزش فوتبال در سطح داخلی کشور است، از پربیننده‌ترین برنامه‌های صداوسیما به‌شمار می‌رود.

فوتبال به‌عنوان ورزشی هیجان‌انگیز و جذاب که نتیجه‌ی آن بیشتر اوقات پیش‌بینی‌پذیر نیست، می‌تواند میان مردم یک کشور غرور و وفاق ملی به‌وجود آورد

و توان آن را دارد که تنش‌های سیاسی و اجتماعی را کنترل کند. به این دلایل و دلایل دیگری که در این نوشتار اشاره شد، فوتبال هم‌اکنون از بعد ورزشی فراتر رفته و توجه همگان، از تماشاگران عادی گرفته تا سیاستمداران و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. در فوتبال به‌ویژه فوتبال در سطح تیم ملی، احساس هویت، تعلق به میهن و ایثار شکل می‌گیرد و در مدتی کوتاه، حس همبستگی ملی در سراسر جامعه، جدا از تفاوت‌های قومی، مذهبی و... گسترش می‌یابد.

مسئولان سیاسی همه کشورها به برد و باخت در مسابقه‌های فوتبال بسیار حساس‌اند. وقتی تیم‌های ملی می‌برند، مسئولان حکومتی به ورزشکاران و مردم کشور خود تبریک می‌گویند، با شادی عمومی همراه می‌شوند و از انرژی مثبت ایجادشده در جامعه برای تعمیق افتخار و غرور ملی و ارتقای همبستگی و هویت ملی بهره می‌گیرند و هنگامی که تیم ملی می‌بازد، سکوتی غم‌بار سراسر کشور به‌ویژه برنامه‌های ورزشی و خبری را فرا می‌گیرد. بر این مبناست که توجه به این ورزش می‌تواند از ابعاد گسترده‌ای، هویت ملی را به‌ویژه در جوامع چندقومی یا کشورهای در معرض تهدید خارجی، تقویت کند و به دنبال آن قدرت ملی را در سطوح داخلی و بین‌المللی ارتقا بخشد.

تأثیر هویتی فوتبال، محدود به جلب و تقویت تعلق و هویت ملی نیست، بلکه در سطوح فراملی نیز جلوه‌های آن را می‌توان مشاهده کرد. حمایت مسلمانان غیرایرانی از جمله عرب‌ها و مسلمانان مقیم آلمان از تیم ایران و سایر تیم‌های کشورهای مسلمان، جلوه‌هایی از بروز هویت فراملی را از طریق ورزش به‌خوبی نشان داده‌اند.

منابع و مأخذ

- آزادارمکی، تقی، (۱۳۸۷). «فوتبال، پارادوکس نوسازی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، ۱۸-۵.
- احمدی، سیروس، (۱۳۸۶). «بررسی آثار و نتایج تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ بر هویت ملی شهروندان (مطالعه موردی شهر یاسوج)»، *فصلنامه المپیک*، شماره ۱، زمستان، ۸۵-۹۵.
- احمدیان‌راد، حمیده، (۱۳۸۷). «فوتبال به سیاست گره خورده است»، قابل دسترسی در:
<http://saharnews.ir/view-1897.html>
- اشرف، احمد، (۱۳۷۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، *مجله ایران‌نامه*، تابستان، شماره ۴۷، ۵۵۰-۵۲۱.
- بارت، مارتین، (۱۳۸۱). «شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی»، ترجمه محمود شهابی، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۱۳، ۲۰-۱۲.
- خلجی، حسن، عباس بهرامی و سیدمهدی آقاپور، (۱۳۸۶). *اصول و مبانی تربیت بدنی و علوم ورزشی*، تهران: سمت.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- جلایی‌پور، حمیدرضا، (۱۳۸۲). «هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومی»، *مجله سیاست خارجی*، بهار، شماره ۴۲، ۱۴-۱.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۲). *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نی.
- شینخواندی، داور، (۱۳۷۸). «میزگرد وفاق اجتماعی و همبستگی ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نخست، شماره ۱، پاییز، ۴۴-۱۵.
- صدر، حمیدرضا، (۱۳۹۰). *روزی روزگاری فوتبال؛ جامعه‌شناسی فوتبال*، تهران: چشمه.
- عسکری خانقاه، اصغر و علیرضا حسن‌زاده، (۱۳۸۱). «فوتبال و فردیت فرهنگ‌ها»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، ۱۲۳-۱۰۵.
- قاضیان، حسین، (۱۳۷۶). «فوتبال به مثابه کالای فرهنگی»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، شماره ۱۲، ۱۳۵-۱۱۸.
- کوپر، سایمون، (۱۳۸۹). *فوتبال علیه دشمن*، ترجمه عادل فردوسی‌پور، تهران: چشمه.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، حسن تابعیان و خدیجه سرو اسدی، (۱۳۸۷). «بررسی عوامل خشونت در میان تماشاگران فوتبال»، *جامعه‌شناسی*، تابستان، شماره ۱۳، ۱۳۴-۱۲۱.

تأثیر فوتبال بر مؤلفه‌های ... ❖ ۱۳۵

❖ سال چهاردهم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۲

معمار، رحمت‌الله، (۱۳۷۸). *سنجش گرایش به هویت تاریخی*، تهران: مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای سازمان صداوسیما.

ملکوتیان، مصطفی، (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست»، *مجله سیاست*، تابستان، شماره ۱۰، ۳۱۶-۳۰۱.

نادریان، مسعود، (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی در ورزش*، چاپ اول، اصفهان: هنرهای زیبا.

ورکیانی، فرحناز، (۱۳۸۵). «گزارشی از همایش فوتبال و جامعه با نگاهی به جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان»، *مجله رشد آموزش علوم/ اجتماعی*، زمستان، شماره ۳۳، ۵۶-۴۵.

هاشمی، سیدضیاء و محمدرضا جوادی یگانه، (۱۳۸۶). «فوتبال و هویت ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هشتم، شماره ۲، ۱۲۴-۱۱۷.

هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۸). *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Alabarcesss, P (1999), Post Modern Times, Identities and Violence in Argentina Football, in: **Football Cultures and Identities**, Edited by: Gary Armstrang and Richard Giulianotti, London, Mac Millan Press, pp 77-85.

Chehabi, H. E. (2002). **A political History of Football in Iran. IN: Iranian Studies**, Volume 35, Number 4

Hare, G and H , Duncey (1999), The Coming of Age: The World Cup of France 98, in: **Football Culture and Identities**, Edited by: Gary Armstrang and Richard Giulianotti, London, Mac Millan Press, pp 41-51.

Lever, J (1983), **Soccer Madness**, Chicago: University of Chicago Press, pp 4-8.

Morrow, Stephen (1999), **The new business of football**, MCMILLAN press Ltd, first published.

Ottaway, Marina (2002) "Nation Building", **Foreign Policy**, (Sep/ Oct 2002) Paul Verme, "Religious Identity Formation", **International Journal of Education and Religion**, Vol. II. No. 2, pp 107-125.

Woodward, k (2004), Questioning Identity ,Gender, Class, Ethnicity, **London, Routledge**, pp 7-41

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی